



۲۰۱۶/۰۱/۰۲

دوکتور محمد ظاهر عزیز
سفیر سابق افغانستان در یونسکو

سیاست خارجی افغانستان

تبصره اداره (آریانا افغانستان آنلاین):

این نوشته جناب محمد ظاهر عزیز قبلاً در سه بخش جداگانه در همین وبسایت به نشر رسیده بود. به خاطر اهمیت آن از نظر سیاسی و ملی افغانستان و بن بست کنونی در امور کشور لازم دیده شد متن کامل آنرا در یک نوشته دوباره به نشر بپردازیم. امید است توجه جدی مسئولین امور را جلب نموده بتوانیم.

سیاست خارجی افغانستان

با مطالعه حالات زار فعلی در کشور ما و نبود سیاست خارجی فعال و هوشیارانه در طی سال های اخیر، در نبود استراتیجی و پلانگذاری مناسب انکشاف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی در طی سیزده سال گذشته که منافع علیای وطن ما در آن مضمر می بود و ضرورت های اصلی کافه مردم افغانستان را در نظر می گرفت و با حفظ ارزش های معنوی و فرهنگی طرح ریزی می شد تا فقر، گرسنگی، بیسوادی، نا امنی، مریضی و بی عدالتی امروز دامنگیر مردم وطن نمی بود، امیدی برای حیات بهتر و مرفه تر مردم افغانستان در سال های نزدیک میسر می شد.

اگر به راستی، سیاست خارجی فعال و استراتیجی انکشافی مناسب می داشتیم، کار رهبران حکومت وحدت ملی امروز (جنابان رئیس جمهور و رئیس اجرائیه) سهلتر می بود. من امیدوارم که جنابان رئیس جمهور و رئیس اجرائیه که هردو با مشکلات عمده ای مردم وطن آشنا هستند و در امور بین المللی آشنایی خوب دارند، در تشکیل یک حکومت وحدت ملی با اشتراک اشخاص پاک نفس، وطنخواه، متخصص در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و دولنداری، تکنوکرات های با ایمان، صادق و متخصص افغان، همه امور مملکت را در دست بگیرند و افغانستان را از تباهی نجات دهند.

سیاست خارجی یک کشور تنها به شناسایی مناسبات سیاسی و یا باز نمودن سفارت خانه ها در کشور های دیگر، پذیرش و میزبان سفارتخانه ها و یا نماینده گی های سیاسی، اقتصادی، تجارتي و فرهنگی، داشتن نماینده گی های سیاسی در سازمان های بین المللی، عضویت در سامان های منطقه ای و یا امضای پیمان های سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا الحاق در میثاق های بین المللی تکمیل نمی گردد. همچنان سیاست خارجی یک کشور با سفر های خارجی و یا اشتراک در کنفرانس های منطقه ای و بین المللی و یا دعوت نمودن سران دولتها و حکومت، کامل نمی شود. علاوه باید گفت که سیاست خارجی یک کشور با بیانه های میان خالی، دروغین و تکراری در داخل کشور و مجالس بین المللی و یا منطقه ای، سیاست خارجی هوشیارانه و فعال به حساب نمی رود.

سیاست خارجی کشور ها بیشتر از تحکیم و برقراری حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی، از طرز حکومتداری، درجه ای ارتقای فرهنگی یعنی سواد و دانش عمومی در یک کشور، اندازه ای پیشرفت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، توانایی قدرت نظامی و درجه تعمیم دیموکراسی، هوشیاری دیپلوماسی، آشنایی به مسایل روابط بین المللی، آشنایی به اهداف، طرز کار و توانایی استفاده از سازمان های بین المللی و منطقوی متأثر می شود. ضمناً سیاست خارجی زمانی موفق می باشد که در هماهنگی با نهاد های ملی چون پارلمان، وزارتخانه ها و مؤسسات مربوط دولتی، احزاب شناخته شده و نهاد های جامعه مدنی، هماهنگی، طرح ریزی و در عمل تطبیق قرار گیرد. به عبارت دیگر سیاست خارجی در قدم اول از سیاست داخلی الهام می گیرد، طرح و تنظیم می گردد و بالاخره با حفظ منافع علیای آنکشور در معرض عمل و تطبیق قرار می گیرد.

آشنایی با طرز و روش کاری، سیاست های داخلی و مسایل عمده کشور های همسایه، در منطقه و دیگر کشور ها که آن ممالک با آنها روابط سیاسی و همکاری تجارتي و یا نظامی دارد از شرایط دیگر موفقیت سیاست خارجی کشور ها بشمار میرود. حتی معلومات و دانش خوب در مورد تاریخ، جغرافیا، عایدات زراعتی، صنعتی، معادن و سیاست کشور ها در امور بین المللی در موفقیت سیاست خارجی کشور تأثیر قابل ملاحظه دارد. بالاخره دانش، تحصیل و تجربه در امور روابط بین المللی و دیپلوماسی و دانستن لسان های خارجی از شرایط موفقیت دیپلوماسی دیپلوماتها و سیاست خارجی کشور حساب شده می تواند.

یکی از شرایط عمده در موفقیت سیاست خارجی همه کشور ها خاصاً کشور های عقب مانده مانند کشور ما، آشنایی با اهداف، ساختار، طرز کار و صورت استفاده از منابع بزرگ مالی، سیاسی، علمی و فرهنگی ملل متحد و سازمان های تخصصی ملل متحد، بانک های جهانی و یا منطقه ای می باشد. آشنایی با فیصله ها، میثاق های بین المللی و طرز تطبیق و استفاده از آنها به نفع نهاد های ملی و دولتی، چه اختیاری و یا اجباری هستند، در داشتن سیاست خارجی موفق، مهم و با ارزش است.

حالا برمیگردیم به منابع و مسایلی که با ارتباط سیاست خارجی موفق وابسته به کشور ما چه چیز ها در دست داریم؟ در طول سیزده سال گذشته چه نوع مشکلات داشتیم؟ چه نوع سیاست خارجی با کشور های همسایه، در سطح منطقه و در سطح بین المللی، اجرا و پیاده کردیم؟ همچنان برای یک سیاست خارجی متوازن، هوشیارانه و موفق و موافق به مصالح و منافع علیای کشور، در آینده چه کار ها و چه نوع ستراتیجی سیاسی ملی را در سطوح و امور داخلی، منطقوی و بین المللی، باید بکار ببریم؟

قانون اساسی افغانستان که مهمترین سند موفقیت مردم افغانستان در سیزده سال گذشته محسوب میگردد، رهنمای بزرگ ملی برای همه امور دولتداری، تعمیم و تحکیم دیموکراسی ملی، حراست از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و نظام متکی بر اراده مردم است. ضمناً قانون اساسی کشور ما حقوق مردم افغانستان را بر مبنای ارزش های دینی و فرهنگی مردم افغانستان، رعایت از اعلامیه ای جهانی حقوق بشر، احترام به منشور ملل متحد و انتخاب روش دیموکراسی رهبری و حکم می نماید. پس قانون اساسی افغانستان رهنمای اساسی، مهم و منبع اصلی برای طرح ستراتیجی و پلانگذاری یک سیاست خارجی هوشیارانه و فعال افغانستان که کاملاً متکی به مصالح و منافع علیای افغانستان طرح و تطبیق گردد، به حساب می آید.

در طرح و به کار بردن سیاست خارجی فعال، متوازن و هوشیارانه با در نظر داشت منافع علیای افغانستان باید به اصل های مهم زیر توجه جدی گردد:

- حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، مردمیکه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود را حفظ، تحکیم و تأمین کرده نتواند، با آنکه عضویت قبلی ملل متحد را داشته باشد، دارای سیاست خارجی ضعیف و نا مناسب خواهد بود.
- استقلال، هیچ کشوری بدون داشتن استقلال کامل، شناسایی سیاسی از طرف دیگر کشور ها را داشته نمی تواند. در دنیای امروز بعضی سرزمین هایی است، مانند فلسطین که نظر به بعضی ملحوظات، تعدادی از کشور ها حکومت فلسطین را به رسمیت شناخته اند. با آنکه فلسطین عضویت یونسکو را حاصل نموده و در جلسات اسامبلی عمومی ملل متحد به حیث ناظر اشتراک می نماید، در کنفرانس هایکه از طرف سازمان همکاری اسلامی دایر میگردد اشتراک می نماید، هنوز استقلال کامل خود را بدست نیاورده است.

- نظام متکی بر اراده مردم و تحکیم دیموکراسی ملی، در سیاست خارجی فعال و هوشیارانه نقش بسیار بارز دارد.
- رعایت از اعلامیه جهانی حقوق بشر، در حقیقت شناخت، تأمین و مراعات حقوق مرد و زن یعنی مراعات و تحکیم حقوق همه اتباع کشور به صورت مساوی حتمی است. شناخت و رعایت اعلامیه ای جهانی حقوق بشر، کشور ما را صاحب شخصیت سیاسی و حقوقی با ارتباط مفاد مربوط به اعلامیه جهانی حقوق بشر در سطح جهانی می سازد و جهانیان با حسن احترام به ما می نگرند.
- بعد از تحکیم استقلال و عضویت در ملل متحد، رعایت و پیروی از منشور ملل متحد در سیاست خارجی کشوری مانند افغانستان، بسیار مهم بشمار می رود.
- اداره خوب و عاری از فساد گسترده، در احترام و رابطه جهانی به هر کشور به شمول افغانستان، مؤثر است. لذا رابطه به داشتن سیاست خارجی هوشیارانه و مورد احترام از طرف جامعه جهانی، دارد.
- احساسات وطنخواهی و عقیده به اراده ملی، ارزش های معنوی و فرهنگی کافه ای مردم افغانستان، در تمامی سطوح کاری وزارت خارجه و کارمندان آن وزارت، از شرایط اصلی موفقیت آن وزارت و سیاست خارجی کشور به شمار می رود و باید با حسن اخلاق دیپلماسی، مراعات گردد.
- ساختار و تشکیل ادارات با ظرفیت و دارای مؤلفین و مامورین تعلیم یافته، کار آگاه، آشنا به امور و روابط بین المللی و دیپلماسی از شرایط اصلی در تعمیم سیاست خارجی فعال به شمار می رود. همچنان آشنا به تاریخ، جغرافیا ی کشور، آشنا به امور و روش کاری حکومت و همچنان آشنایی به یک یا چند لسان خارجی، از راز های موفقیت یک کارمند وزارت خارجه هم در داخل کشور و هم در بیرون از کشور محسوب می گردد و در نتیجه موفقیت سیاست خارجی کشور را تا حد زیاد تسهیل و تأمین کرده می تواند.
- هماهنگی در اجرای امور و تبادل اطلاعات میان وزارت خارجه و ادارات و نهاد های دولتی و همچنان میان ادارات سیاسی و اداری وزارت خارجه هم در داخل کشور و هم بیرون از کشور، از جمله شرایط اساسی موفقیت وزارت خارجه و سیاست خارجی کشور شمرده می شود.
- راه ها و وسایل در حل مشکلات عظیم کشور که ممد و مؤثر در طرح و به کار انداختن سیاست خارجی فعال، متوازن و هوشیارانه خواهد شد:

همه میدانیم که وطن ما به مشکلات بزرگ اجتماعی، اقتصادی و امنیتی مبتلا است که بر سیاست خارجی وطن ما تأثیر مستقیم دارد. این مشلات تا حدی زاده ای تجاوز اتحاد شوروی سابق در دهه هشتاد میلادی و مداخله واضح همسایگان خاصاً پاکستان در امور داخلی همراه با تجاوز پاکستان در حریم مقدس افغانستان است. معضلاتی چون عدم توانایی دولتداری، عدم رهبری هوشیارانه، عدم ظرفیت و صداقت حکومتداری، همراه با فساد تباه کن در کشور در سال های نزدیک گذشته، وطن ما را به طرف تباهی نزدیک ساخته اند.

متذکر گردید که قانون اساسی کشور ما پشتیبان و رهنمای اصلی و مهم برای طرح و بکار بردن سیاست خارجی متوازن و فعال می باشد. اما، با وجود احکام قانون اساسی، در طی سال های گذشته ملاحظه کردیم که دولتداری فعال، و عاری از فساد، تطبیق و حرمت به دیموکراسی و حقوق بشر و دیگر امور وابسته به دولتداری مسؤول و جوابگو، هنوز در مرحله ای ابتدایی در کشور ما قرار دارند. از جمله نقض قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات اعضای شوراهای ولایتی، عدم حرمت به تصامیم وکلای مردم از طرف قوه اجراییه به رهبری رئیس جمهور سابق، عدم مراعات به قوانین اداری و عدلی را میتوان مثال آورد.

این نوع حالت سر در گم دولتداری، کشور ما را در چشمان آژمند دشمنان وطن ما و گروه های متخاصم افراطی ضعیف و ناتوان ساخته و ما با ناتوانی سیاسی و اداری، هر روز می بینیم که دشمنان افغانستان در حریم کشور و امور داخلی وطن ما تجاوز واضح می نمایند، وطن ما را ویران می سازند و مردم افغانستان را به شهادت می رسانند.

در حالیکه این نوع حالات ضعف دولتداری و سر در گمی در کشور در تمامی سطوح حیات مردم تأثیر مستقیم دارد، حتماً سیاست خارجی کشور را نیز متأثر، ضعیف و نا متوازن می سازد.

با وجود همه کوشش هایی که بعد از سال های تاریک و جنگ ها، خاصاً بعد از تأسیس دولت مؤقت در طی چند سال برای بهبود ساختار اداری در وزارت خارجه، کدر سیاسی و دیپلماتیک و تأسیس نماینده گی های سیاسی صورت گرفت، در مجموع سیاست خارجی افغانستان با درک اوضاع سیاسی، منطقوی و جهانی تثبیت، تعیین و پلانگذاری نشد و آنچه را که با زحمت آغاز شده بود در سال های بعدی تعقیب نکردند.

افغانستان هنوز یک ستراتیجی معقول سیاست خارجی قوی و فعال که با درک مشکلات امروز وطن و فهم سیاست همسایگان و یا دانش بخصوص امور سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی کشور های آسیایی، عربی و کشور هایی که بر سیاست خارجی وطن ما تأثیر خاص دارند، طرح ریزی و عملی گردد، ندارد.

در اجرای امور سیاسی و مقابله با اوضاع منطقوی و جهانی، هنوز رهنمای واضح و ستراتیجی خاص ایکه از منافع علیای افغانستان دفاع گردد و در هماهنگی با ادارات مسؤول و مربوط و همه نماینده گی سیاسی در عمل اجرا قرار گیرد، وجود ندارد. هیچ و یا کمترین تفاهم، تبادل نظر، مشورت و یا مبادله اطلاعات که از سیاست واحد دولتی در اجرای امور یا تصمیمگیری مهم بر موضوعات مهم ملی، منطقوی و بین المللی، نماینده گی نماید، میان نماینده گی های سیاسی افغانستان موجود نیست.

از سال های چند به این سو، دستگاه سیاست خارجی افغانستان، ضعیف، دیر فهم که یک موضوع را هر وقت و در هر جا با ارایه ای روش نادرست و ضعیف، تکرار می نمایند، قرار گرفته است.

با تقدیم حرمت به همه مسؤولین و مامورین در نمایندگی های سیاسی افغانستان، باید با صداقت بپذیریم که تعداد زیاد نمایندگی های سیاسی، بیشتر به اجرای امور اداری و تشریفاتی مصروف اند. اکثر نماینده گی ها در اجرا و طرح برنامه ها در شقوق انکشافی مورد نیاز کشور که با همکاری و هماهنگی نهاد های دولتی به منظور کمک از دول مربوط جای ایکه نماینده گی حضور دارد، یا از سازمان های منطقه ای و بین المللی، صلاحیت مسلکی و تجربه ای کم دارند.

تا دیروز، برخورد دولت با وقایع حاد و مهم، با سیاست کهنه و یا افتاده تثبیت میگردید و در مناسبات سیاسی نظر به عدم تکنیک های سیاسی و نداشتن دانش مسلکی سیاسی و یا روشها و تصامیم نادرست شخصی مقامات عالی دولتی، با طرف مقابل خاصاً کشور های همسایه، از روش و سیاست اخلاقی، عواطف انسانی و حتی ارزش های معنوی معامله می کردید. تصور بر این بود که طرف مقابل که هم زیرک و هم با سیاست آشنا اند، دل شان به حال ما می سوزد و به ما رحم می نمایند. اگر نماینده های سیاسی افغانستان و یا مقامات عالی کشور صد مرتبه دست دعا بلند کنند، در مقابل دشمنان آزمند، سختگیر و کهنه کار افغانستان، هیچ فایده ای ندارد.

باید بپذیریم که سیاست خارجی افغانستان در تحت رهبری آقای کرزی مانند دیگر امور در کشور ناکام بود. سه مثال عمده در این حقیقت پس کننده است:

- یکی از آرزومندی های خاص مرد و زن افغان، تعمیم و تحکیم صلح پایدار در کشور با حفظ شخصیت و منافع علیای ملی مردم افغانستان است. این هدف بزرگ در صورتی امکان پذیر می بود که در این زمینه توافق ملی بوجود می آمد و رهبری این پروسه بزرگ با درایت و وطنخواهی در روشنی کامل با مردم کشور و در توافق با وکلای مردم وطن بدون سیاست دو دلی و بدون سیاست متناقض (دشمن و برادر) به پیش برده می شد، که نشد. متأسفانه که موضع گیری های ضعیف حکومت افغانستان در طول سال های گذشته بر مسایل مهم وابسته به این داعیه افغانستان و عدم شفافیت در سیاست داخلی و خارجی حکومت آقای کرزی باعث شده است که امروز در یکی از مهمترین مسایل مربوط به افغانستان (مذاکرات صلح با طالبان)، ناکام باشیم.

- در طول سال های گذشته سیاست خارجی افغانستان بدون تفاهم با نهاد های ملی از طرف یک شخص با تصمیمگیری های سلطانی در معرض عمل قرار می گرفت. پذیرش، اشغال کریمیه از طرف روسیه، کریمیه که جزو خاک یوکرین است، شناسایی الحاق آن به روسیه از طرف رئیس جمهور سابق کشور در جمله سیاست خارجی نادرست به حساب می رود. این تصمیم که کاملاً شخصی و مقابله با امریکا و اروپای غرب بود، با منافع علیای افغانستان خاصاً در این مقطع زمان در تضاد است.

- با وجود پذیرش و تصویب لویه جرگه مشورتی، پیمان امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده از طرف آقای کرزی به امضا نرسید. دلایل آقای کرزی بر عدم امضای این پیمان هنوز به مردم افغانستان روشن نیست. خلاصه اینکه سیاست خارجی افغانستان به صورت کل سیاست خارجی شخصی محسوب می گردید، نه سیاست خارجی یک کشور مبتلا به مشکلات حاد و متعدد.

بر می گردیم برین موضوع مبنی بر اینکه، برای طرح و کاربرد یک سیاست خارجی هوشیارانه، موفق، متوازن موافق بر صلاح و منافع علیای کشور در این مقطع زمان برای کشور ما که به صدها مشکل بزرگ اجتماعی، اقتصادی، نا

امنی و دیگر بحرانها مبتلا است به چه کار های مهم در تفاهم با نهاد های ملی، در سطح ملی، منطقوی و بین المللی دست بزنیم تا خدمتی به فرزندان امروز و آینده این کشور انجام داده بتوانیم:

الف: در سطح ملی:

باید صادقانه بپذیریم که اکثر مردم افغانستان در فقر، گرسنگی، مریضی، بیسودی، بیکاری، بیعدالتی، در محیط فساد اداری و مالی و در یک فضا و محیط سیاسی بحران انگیز و تشویش آور زنده گی می نمایند. این همه حالات، از چندی وحدت و همبستگی ملی، حاکمیت ملی و رفاه و آرامش مردم وطن ما را به خطر انداخته و سر نوشت این ملت با دیانت و شریف را در حالت سر در گمی مبتلا ساخته است. من مانند ملیونها اتباع وطنخواه این کشور امیدوارم که در سطح ملی، مردمی و دولتی، برای چاره سازی این معضلات بزرگ در کشور، در قالب تفاهم حکومت وحدت ملی اقدامات مؤثر، هوشیارانه و وطنخواهانه بدون مظاهر امتیاز خواهی گروهی، قومی و سمتی صورت گیرد تا امیدی برای حیات نسبتاً مرفه برای هر یک از اتباع شریف این مرز و بوم میسر گردد. در سطح ملی ما به قبول اصل های زیرمجبوریم:

۱- قبول شناخت حقوق مساوی (حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دیگر حقوق انسانی که در رفاه و حیات معنوی و مادی مؤثر باشد)، برای همه اتباع افغانستان.

۲- پذیرش حقیقت و ضرورت تبادل نظر و مفاهمه از طرف رهبران کشور با همه گروه های سیاسی، حزبی و مذهبی افغانستان. مذاکره میان همه حلقه های سیاسی در داخل و بیرون دستگاه دولتی به منظور راه یابی به حل مشکلات و بحران حاد کشور ما و به منظور اتخاذ تصمیم ملی که ما را در مذاکرات و مناقشات در سطح ملی، منطقوی و بین المللی کمک و راهنمایی نماید.

۳- راستکاری و راستگویی به مردم کشور در تمام مراحل مذاکرات در جهت تحکیم تفاهم و تصمیم ملی و در مورد جریان مذاکرات با گروه های مخالف مسلح، کشور های منطقه و در سطح جهانی.

۴- ارزیابی سیاست خارجی کشور در ورای واقعات تاریخی نزدیک کشور و همچنان در ورای روابط کشور با همسایه ها، ارزیابی صادقانه از ناکامیها و موفقیتها در طی سال های نزدیک گذشته.

۵- تقویت حسن تفاهم و همزیستی میان مردم افغانستان. باید واضح گفته شود که در تاریکی و قساوت فکری، جدایی، عدم تفاهم و وحدت ملی و در بر انداختن دشمنی در جهت تفوق جویی بر اساس مظاهر قومی، زبانی، منطقوی و مذهبی صیانت ملی و افغانی صدمه می بیند و همه در مشکلات بدتر از امروز مبتلا می شوند و خدا ناخواسته حاکمیت ملی پامال خواهد شد.

۶- در روشنی حفظ منافع عالی افغانستان (ارزش های معنوی و فرهنگی، تمامیت ارضی، استقلال، همبستگی، وحدت و حاکمیت ملی) بحث هوشیارانه با نظر وسیع و بدون مخاصمت های شخصی و احساسات زبانی و قومی بر ضرورت باز نگری قانون اساسی افغانستان به منظور انتخاب نظام سیاسی متناسب به حالت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و چگونگی دولت سازی و دولت داری در قبول تساوی حقوق کافه مردم افغانستان (مرد و زن) و اختیارات واضح قوای اجراییه، قضایی و مقننه و روش و طرز اختیارات قانونی در سطح ولایات افغانستان.

۷- انتخاب راه دین و دانش و عدالت اجتماعی به کمک متخصصین و دانشمندان افغان، آن هایی که در داخل وطن و یا بیرون از افغانستان زندگی می نمایند، به منظور طرح ستراتیژی ملی انکشافی و طرح برنامه های قصیر المدت و طویل المدت خاصاً در ساحات تعلیم و تربیه، ارتقای فرهنگ، اقتصاد، زراعت و استفاده از منابع بزرگ طبیعی خاصاً زمین و آب، منابع زیر زمینی با حفظ محیط زیست و توسعه خدمات صحتی در کشور.

۸- دید و نظر وسیع و انتخاب روش های سیاسی احزاب سیاسی، پذیرش مزایای تنوع فرهنگی مردم افغانستان اسباب تقویت اساسات دیموکراسی، همبستگی ملی و اجتماعی و بردباری، عدالت اجتماعی و احترام متقابل بین مردم و اقوام و

محلات افغانستان را بار می آورد و در تقویت صلح و امنیت، حقوق بشر و شناخت احترام به یک دیگر در سطوح محلی و ملی می شود. مجموع اصل های فوق در تحکیم وحدت ملی کمک می نمایند فلذا در اجرای سیاست خارجی موفق، مؤثر است.

۹- در طول تاریخ، جوامع مختلف انسان های صاحب عقل و دارای بینش، زمانیکه کشور شان مانند وطن ما به مشکلات بزرگ گیر می آید، میان احزاب سیاسی و حتی گروه های متخاصم، در جهت تبادل نظر و راه یابی به تفاهم ملی، کوشش مینمایند. در وطن ما نیز حل مشکلات از طریق گوش دادن به نظریات مختلف و یا مخالف به منظور ایجاد تفاهم ملی به کمک و همکاری صادقانه و لسی جرگه و مشرانو جرگه، احزاب سیاسی، دانشمندان صاحب نظر و متعهد به منافع ملی افغانستان، در یک فضای آزاد و بدون مخاصمت، امکان پذیر است. گفته شد که تحکیم وحدت ملی تأثیر قابل ملاحظه در سیاست خارجی وطن ما دارد.

۱۰- اگر از تاریخ درد آور سال های نه چندان دور کشور ما درسی گرفته باشیم، باید در تفاهم و همبستگی ملی برای حل مشکلات بزرگ افغانستان تصمیم مشترک بگیریم. از تنوع و تفاوت های فرهنگی مردم افغانستان خوشنود باشیم و از آنها در راه برابری، عدالت اجتماعی، همبستگی، قبول احترام به دیگران، درس عبرت بگیریم و بنیان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور خود را مبتنی بر بردباری و سازگاری متقابل افزایش دهیم. اگر در چنین روش موفق شویم، دشمنان مردم و وطن ما جرأت تجاوز را در امور داخلی و حریم مقدس افغانستان نخواهند داشت.

ب: در سطح منطقه:

مدت بیش از سی سال است که افغانستان در قید بازی های همسایگان خاصا پاکستان قرار دارد. بعد از جنگ عمومی دوم، کمتر کشوری در جهان به چنین حالت درد و رنج، کشتار، فقر، تباهی و خانه جنگی ها قرار گرفته است. اتحاد شوروی سابق در بیست و پنجم دسامبر ۱۹۷۹م وطن ما را اشغال کرد و بعد از تباهی کامل وطن ما و قتل بیش از دو میلیون افغان با ایمان و وطنخواه مجبور شد افغانستان را با سپاه رویی ترک گوید. اشغال افغانستان برای رژیم نظامی پاکستان و آی، اس، آی وسیله کسب و حفظ قدرت در داخل پاکستان، کسب موقف عالی سیاسی در غرب و کشور های مسلمان و وسیله کسب میلیارد ها دالر و اسلحه به نفع پاکستان شد.

رژیم نظامی پاکستان هیچ وقت طرفدار موفقیت کامل مجاهدین و یا تفاهم و اتفاق میان شان در جهت ساختن یک دولت متحد و قوی در افغانستان مبتنی بر ارزش های دینی، فرهنگ افغانی، حاکمیت ملی مردم افغانستان، دیموکراسی و حرمت به منشور ملل متحد نبود و تا امروز با انواع بازی های کثیف به امور داخلی افغانستان مداخله می کند، تروریستها و دشمنان مردم افغانستان و دشمنان اسلام را در داخل خاک پاکستان تربیه نظامی میدهند و برای ویرانی و قتل افغانها به وطن ما می فرستند، به خاک مقدس وطن ما راکت می فرستند. کوتاه اینکه دشمنی همه عیار را با مردم افغانستان ادامه میدهند. از دشمنی پاکستان با وطن و مردم ما، صدها مثال را می توان ذکر کرد.

در طرح و بکار بردن سیاست خارجی موفق، هوشیار و متوازن در منطقه، ما به مشکلات و مسایل عمده زیر روبرو هستیم و حتماً سیاست خارجی وطن ما را تحت تأثیر میداشته باشند:

- مسأله تاریخی دیورند و مسایلی که با خط دیورند وابستگی دارند،(پذیرش و یا رد دیورند به صفت خط سرحدی رسمی از طرف افغانستان، مسایل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی مردم هردو طرف خط که دارای ارزش های مشترک هستند، تقسیم آب که فعلاً به پاکستان سرازیر است).

- خواست پاکستان به عمق ستراتیجی در افغانستان و حتی به آسیای مرکزی.

- خواست پاکستان به یک حکومت ضعیف و ناکاره مانند حکومت آقای کرزی

- جنگ نیابتی میان پاکستان و هند در کشور ما.

- حکومت تصمیمگیر، هوشیار، پاک نفس و وطنخواه در افغانستان، که با تحکیم و تفاهم وحدت ملی و شناخت کامل قوانین میثاقها و فیصله های بین المللی سیاست خارجی وطن را، طرح و تطبیق نماید.

- توانایی، هوشیاری و شناسایی سیاست های منطقه ای، اقتصادی، تجارتي، صنعتی و نظامی، دوقدرت بزرگ آسیا(چین و هند) که در این منطقه، در آسیا و در جهان، نفوذ و قدرت روز افزون دارند. هردو کشور بر طرز و روش سیاست افغانستان در منطقه نقش بزرگ دارند.

- سیاست و روابط متوازن و روز افزون افغانستان با ایران و کشور های آسیای مرکزی.
- دانش و استفاده درست از موقعیت جغرافیایی افغانستان به حیث پل خاکی و ترانزیتی میان آسیای مرکزی و جنوب آسیا و چین. به عبارت دیگر انکشاف و استفاده از راه ابریشم و راه لاجورد. (تنها با امضای قرارداد های ترانزیتی با کشور های منطقه نمیتوان موفق بود).

باید بپذیریم که سیاست خارجی افغانستان در منطقه از سال های دراز در قید تصامیم حکومت پاکستان با هدایت خصمانه آی، اس، آی بوده و حکومت آقای کرزی نتوانست با سیاست عذر خواهی، دوعا و سفر های بی ثمر به پاکستان، این مشکل بزرگ وطن ما را حل نماید.

مردم افغانستان با مردم پاکستان و دیگر همسایگان خود در قالب منافع علیای افغانستان به دوستی و زندگی آبرومند بر حسب اراده کافه مردم افغانستان، ضرورت دارند و در راه حصول چنین دوستی می باید با هوشمندی و صداقت به اصل های زیر مراجعه گردد.

۱- با داشتن یک ستراتیجی قصیر المدت و طویل المدت که در آن منافع علیای افغانستان در نظر گرفته شده باشد، تبادل نظر با همه گروه های سیاسی، حزبی و نماینده گان مردم افغانستان در ولسی جرگه و مشرانو جرگه به منظور رسیدن به درک و تفاهم ملی در قبال سیاست خارجی کشور در منطقه.

۲- گفت و گو و مذاکرات با همه کشور های منطقه خاصاً با پاکستان باید روشن و واضح بوده و همه مسایل مورد اختلاف ما را با پاکستان در بر گیرد. این نوع گفت و گو ها باید با دیپلوماسی هوشیارانه، صادقانه و خاصاً با آشنایی کامل به سوابق مسایل مورد بحث و حتماً در قالب معیار های بین المللی قبول شده حسن همجواری، همکاری و دوستی دو جانبه، آغاز و تعقیب گردد و برای ثبت تاریخ، به مردم افغانستان اطلاع داده شود.

۳- همه میدانیم که پاکستان و دیگر کشور های منطقه از افغانستان تقاضا هایی دارند. در حالیکه به نگرانی های مشروع آنها و یا تقاضا هایی که اهدافش مداخله در امور داخلی، بی حرمتی به حاکمیت ملی افغانستان و یا تقاضای عمق ستراتیجیک از ما نباشد و با حسن نیت و همکاری و دوستی متقابل ارایه گردد، با گوش هوش شنیده شود. اما با آن تقاضا هایی که با زبان برادر بزرگ ارایه میگردد و یا اهداف آنها عدم دوستی و یا سستی همکاری با کشور های دوست افغانستان در منطقه مثلاً (هندوستان) باشد، جواب عاقلانه و رد داده شود. من به صفت مرد وطنخواه جداً توصیه می نمایم که رهبران حکومت وحدت ملی نباید با خنده های زهر آگین نظامیان پاکستان اعتماد کامل نمایند. ظناً دوستی دروغین پاکستان را نباید در بدل سستی همکاری و یا عدم دوام دوستی با هندوستان بخریم. این نوع حرکت به نفع منافع علیای افغانستان نیست.

۴- با داشتن سیاست هوشیارانه، دانش سیاسی و تاریخی افغانستان و تفهیم این مطلب به همسایگان که افغانستان هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ جغرافیایی اهمیت و مقام بزرگ ستراتیجیک در آسیای مرکزی دارد. افغانستان به حیث یک پل خاکی مصدر خدمات بزرگی برای همسایه ها، آسیای میانه، چین و شرق دور، کشور های آسیای مرکزی با هندوستان شده می تواند. افغانستان می تواند در خدمت همه مردمان این کشور ها باشد. مانند گذشته و بکار بردن راه ابریشم و لاجورد، در تبادل افکار، فرهنگ، اقتصاد، تجارت و تکنالوجی امروزی و فردا کمک قابل ملاحظه به همه کشور ها صورت میگیرد و همه مردمان آسیای مرکزی و جنوب آسیا بهره مند میگردند.
حکومت آقای کرزی نتوانست کشور های منطقه را متقاعد سازد که افغانستان در تأمین منافع خود، سود دیگران را نیز تأمین کرده می تواند.

۵- باید گفت که افغانستان هیچ گاهی با همسایه گان، خاصاً با مردم پاکستان روش و نیت منفی و دشمنانه ندارد. مردم افغانستان با مردم پاکستان علاقه و سوابق تاریخی و ارزش های معنوی و فرهنگی مشترک و دراز مدت دارند. ما به دوستی و همکاری همه همسایه های خود ضرورت داریم. اما اگر حکومت و دستگاه نظامی و جاسوسی نظامی پاکستان روش فعلی را که دشمنانه و مداخله در امور داخلی افغانستان است، دوام بدهد، به خاک مقدس افغانستان راکت اندازی را ادامه دهد، به منظور حفظ حاکمیت ملی، منافع علیای کشور، حفظ شرافت و غرور ملی و بالاخره استقرار امنیت در وطن ما و در منطقه، افغانستان اجباراً و حتماً در برقراری امنیت، حاکمیت ملی و دفاع از خاک خود به همه وسایل دست بزند و اگر نکند، خیانت ملی محسوب می گردد. در صورت لازم، بعد از مراجعه دیپلوماتیک با هوشیاری، باید به شورای امنیت و دیگر نهاد های بین المللی و منطقه ای مراجعه گردد.

حکومت آقای کرزی با سیاست متضاد و سلطانی شخصی خودش در تأمین این وظیفه ملی کاملاً نا کام بود. حکومت امریکا و ناتو هم در زمینه تجاوز پاکستان کار صادقانه به مردم افغانستان انجام ندادند.

امید است که رهبران حکومت وحدت ملی وظایف شان را در حفظ شخصیت ملی، انجام دهند و سیاست عذر خواهی و دعا خوانی آقای کرزی را با سیاست مداران تیز هوش، زیرک و پخته کار پاکستان، تعقیب ننمایند.

ج : در سطح بین المللی:

وقتی به گذشته های دور افغانستان مراجعه گردد، پیداست که این سرزمین با موقعیت جغرافیایی آن در چهار راه ملاقات های فرهنگی و یا تهاجمات قرار گرفته است.

موقعیت جغرافیایی افغانستان هنوز برجاست و می تواند مانند گذشته نقطه وصل مردمان و حکومت های کشور های منطقه، شرق و غرب باشد. کشور ما در طول تاریخ مورد تهاجمات نیز قرار گرفته که اکثراً ویران کننده و درد آور بوده. حملات، چنگیز، تیمور لنگ، انگلیس، اتحاد شوروی سابق و در نهایت پاکستان را مثال می دهیم. روشن است که افغانستان بدون سیاست خارجی هوشیارانه، فعال و متوازن که در تفاهم با اکثر احزاب و گروه های سیاسی امروزی و جامعه مدنی طرح ریزی شود، ثبات سیاسی و امنیت نخواهد داشت.

در عدم ثبات و تفاهم کامل سیاسی در سطح ملی بر مسایل مهم کشور و یا تضاد تعریف از شناخت دوست و دشمن مردم وطن، در عدم امنیت کامل بنابر مداخله واضح همسایگان در امور داخلی افغانستان، در عدم موفقیت چشمگیر جامعه بین المللی و دولت افغانستان در دولت داری و در باز سازی کشور ما و بنابر مشکلات متعدد دیگر حل نشده در افغانستان و در منطقه، کشور ما به یقین تا سال های زیادی به کمک و همکاری جدی در ساحات سیاسی، اقتصادی، انکشافی و تأمین امنیت، جامعه جهانی به خصوص کشور هایی که در کنفرانس بن اول و کنفرانس های بعدی به مردم افغانستان تعهد سپردند، ضرورت شدید دارد. مشکلات عمده انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی، حالت فقر مردم وطن، نا امنی سراسری و بیسوادی دوامدار مردم افغانستان و دیگر موارد بد بختی را در کشور میتوان مثال داد. سیاست خارجی فعال، هوشیارانه و موافق با شناخت ضرورت های عاجل کشور و منافع ملی، در این دور تاریخ کشور از ضرورت های اصلی بشمار می رود.

واقعات درد آور، کشتار، ویرانی ها، اشغال خارجی وطن ما و لانه های ترورستی در افغانستان که نتایج آن به دیگر کشور ها الی امریکا رسید، باید درس عبرت عمیق و تاریخی به افغانها و جامعه جهانی داده باشد مبنی بر اینکه ثبات سیاسی و امنیت در افغانستان بستگی و ارتباط مستقیم با امنیت در منطقه و در سطح جهانی دارد. این گفته معنی میدهد که افغانستان به سیاست خارجی متوازن، فعال، هوشیارانه با ذوات و اشخاص مسؤول با تعلیم مسلکی سیاسی در امور بین المللی، وطنخواه، با تجربه در امور سیاسی و دولرداری، ضرورت شدید دارد.

همکاری افغانستان با کشور های دوست، جامعه بین المللی، ملل متحد و سازمان های وابسته به ملل متحد، سازمان های منطقه ای در آسیا و بیرون از آسیا، بانک جهانی و بانک های منطقه ای، باید متکی بر اصول، رهنمایی ها و شایستگی های زیر و در مراعات و پذیرش مطلق منافع عالی افغانستان، که از طریق امضای توافقنامه ها، پیمان های همکاری ستراتیژیک ادامه خواهد داشت، تثبیت گردد. در اینجا امضای پیمان امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده امریکا و قرار داد امنیتی میان افغانستان و ناتو را که از جانب ولسی جرگه و مشرانو جرگه نیز منظور و پذیرفته شده اند و از طرف رئیس جمهور توشیح گردید، مثال می دهیم:

۱- همه کمک ها به افغانستان باید با ضرورت های اصلی و اولی جامعه افغانستان و در قالب یک پالیسی و ستراتیژی قصیرالمدت و طویل المدت طرح ریزی شده عملی گردد.

۲- اولویت های اصلی در افغانستان، تأمین امنیت، امحای فقر و گرسنگی، تقویت حقوق بشر و ارزش های دیموکراسی، مجادله علیه مواد مخدر و فساد اداری، عدالت اجتماعی از طریق دسترسی مردم به دستگاه اداری و عدلی و خدمات اجتماعی، انکشاف قابلیت و تقویت ظرفیت کاری و مسلکی دولت و کارمندان دولتی از طریق تحصیل و انکشاف تعلیم و تربیه خاصاً تعلیمات مسلکی و حرفوی، تعمیم سواد و آمادگی مردم و دولت افغانستان در جهت استفاده از منابع طبیعی به خصوص زمین، آب و منابع زیر زمینی افغانستان، است.

۳- مانند پیمان امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده امریکا و قرارداد امنیتی میان افغانستان و ناتو، کمک ها و تعهدات جامعه بین المللی و کشور ها به افغانستان که در ضمن توافقنامه ها و قرار داد های همکاری بین دو کشور امضا کننده

تثبیت، تشریح و توضیح می‌گردد، باید طولی مدت بوده و در آن منافع هردو کشور به صورت واضح و مشخص تذکر داده شود و حتماً به تأیید شورای ملی افغانستان برسد.

۴- از عمده ترین شرایط و مشخصات تعهدات، توافقنامه ها و یا پیمان های ستراتیژیک که بین افغانستان و کشور های خارجی به امضا میرسد، حرمت به استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان است که مطابق به منشور ملل متحد و میثاق های بین المللی تعیین و تشخیص شده، مسؤولیت های هردو جانب، در اجرای تعهدات تعقیب و حسابدهی هردو طرف در طول مدت تعیین شده تعهدات، مشخص شده، بازرسی می‌گردد.

۵- یکی از ضرورت های اصلی در موفقیت به سیاست خارجی، علاوه از دانش و تجربه در امور و روابط بین المللی، دانش خاص در ساختار، اهداف، صورت کار، تصامیم و میثاق های تصویب شده و استفاده درست و هوشیارانه از منابع بزرگ ملل متحد و موسسات تخصصی ملل متحد است. متأسفانه در حال حاضر، وطن ما نظر به ملحوظات متعدد از منابع بزرگ ملل متحد استفاده درست نمی نماید. در این زمینه، ما نباید تصمیم گیری را به ملل متحد و موسسات تخصصی آن سازمان بگذاریم. ایجاب می نماید که وزارت امور خارجه در تفاهم با نهاد های دولتی و جامعه مدنی و با ارتباط به روش کار موسسات بین المللی برنامه های انکشافی تهیه نموده به موسسات مربوط بسپاریم. شناخت مفاد احکام و تطبیق میثاق های بین المللی با ارتباط روابط ما با موسسات بین المللی نهایت مهم است. در این راه افغانستان راه دراز پیشرو دارد.

پیشنهادات مشخص بر روابط سیاسی، اقتصادی، تجارتی و همکاری های منطقه ای سیاسی و امنیتی افغانستان با دو کشور بزرگ در آسیا (چین و هندوستان):

با امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده امریکا و قرارداد امنیتی با ناتو، افغانستان با امریکا و کشور های وابسته با ناتو روابط طولی مدت دارد. در حالیکه تقویت روابط با امریکا، کشور های اروپایی و کشور های عربی خاصاً کشور های خلیج برای افغانستان مهم است، ایجاب می نماید که این کشور ها روش همکاری و کمک های خود را با افغانستان در راه انکشاف اقتصادی، باز سازی و خاصاً تأمین امنیت واقعی در کشور ما به نفع افغانستان تغیر دهند و روشی را انتخاب نمایند که کمک های اقتصادی و باز سازی جویگویی حالت زار امروز در کشور ما باشد. این امر بستگی به صداقت، لیاقت و ظرفیت حکومت وحدت ملی نیز تعلق دارد. باید گفت که کشور های خارجی و دولت آقای کرزی در تمامی امور وابسته به کشور ما ناکام بودند.

انکشاف روابط و همکاری افغانستان با کشور های چین و هندوستان برای کشور ما از ضرورت های مهم به شمار می رود. نقش چین و هند در آسیا و در سطح جهانی روز بروز قویتر و بزرگتر می شود. استفاده از این حالت به نفع افغانستان به تصمیم، دانش و اقدامات جدی در قالب سیاست خارجی، فعال، هوشیارانه و در همکاری و تفاهم با سکتور های اقتصادی، تجارتی، معادن و مسؤولین پلان های انکشافی کشور، تعلق دارد.

در حالیکه چین و هند در آسیا و در سطح جهانی به رقابت های جدی مبتلا اند، بر ماست که با پیاده نمودن سیاست متوازن از چنین رقابتهای به نفع افغانستان استفاده نمائیم. این امر در صورتی امکان پذیر است که مسؤولین رتبه بلند حکومت وحدت ملی از حالت رکود سیاست خارجی در گذشته ها، جلوگیری نموده، با دانش امروزی و تصامیم فعال و هوشیارانه، روابط خود را طوری با این کشور ها انکشاف دهد که واقعاً به منافع علیای افغانستان باشد. باید بگویم که بدون استفاده از دانش متخصصین وطنخواه، متجرب و پاک نفس که سوابق دزدی و فساد نداشته باشند و دل شان به حالت زار و فقر مردم کشور بسوزد، موفقیت نصیب کشور ما نخواهد شد.

در پیشنهاد دوستی با پاکستان و یا اقدامات حکومت وحدت ملی به منظور راه یابی برای حل منازعات و مشکلات متعدد ما با پاکستان باید با احتیاط کامل تصمیم گرفته شود تا این امر که ضرور و مهم هم است، در ادامه دوستی خیلی طولی مدت و پر بار افغانستان با هندوستان خللی وارد نکند، در غیر آن اشتباه بزرگ خواهد بود. افغانستان مسؤول روابط خصمانه پاکستان با هند نیست و نباید در این بازی که عمر درازی دارد در قید سیاست نظامیان پاکستان گیر ماند. برنامه ای تعمیر شاه راه ابریشم که برای افغانستان مقام بزرگ، با افتخار و پر فایده در قلب آسیا می بخشد، باید با رهبری چین و همکاری کشور های آسیای مرکزی به صورت جدی تعقیب و پیگیری گردد. ضمناً پیشنهاد هند در جهت توافقات ترانزیتی و تعمیر و وصل راه آهن میان کشور های جنوب آسیا و آسیای مرکزی که اخیراً در کنفرانس سارک از طرف پاکستان قبول نشد، می باید با همکاری هند و دیگرکشور های منطقه، تعقیب گردد.

هموطنان عزیز:

ما در زمانی زندگی می نمایم که بدون فهم کامل مشکلات خود ما در داخل وطن، و آشنایی و دانش در مورد سیاست و دیگر امور کشور های همسایه و ممالک دیگری که در امور کشور ما دخیل و شریک اند و همچنان بدون آشنایی با روش و سیاست های آن کشور ها نسبت به افغانستان و داشتن سیاست خارجی فعال، به حل مشکلات بزرگ وطن خود موفق نخواهیم شد.

در تاریخ نه چندان دور، تعداد زیاد کشور های خارجی به حالتی که امروز افغانستان دچار است، مبتلا بودند. زعامت مردم، تصامیم مشترک مردم به منظور حل مشکلات شان و رهبری صادق و وطنخواه در روشنایی عقل، راستکاری و راستگویی و پاک دلی با عزم راسخ و در اتحاد و همبستگی مردم، البته با همکاری دوستان خود، راه پیشرفت و رفاه ملی خود را یافته اند. این گفته چنین نتیجه میدهد که ما نیز با اتفاق و راستکاری و در استفاده از دانش می توانیم مشکلات حاد کشور خود را حل نمایم.

بر ماست که با اتکا به ارزشهای دینی، فرهنگی، تاریخی و مردمی، با گذشته خویش با حرمت، افتخار، صداقت و سر بلندی بنگریم و اساس و بنای افغانستان امروز را در روشنی ارزش هایی که کافه مردم وطن به آن معتقد هستند با فهم و تربیت انسانی، پاکی و صداقت، فضل، دانش، دید وسیع فرهنگی، پذیرش حقوق مساوی همه اتباع افغانستان، رفاه، دیموکراسی، عدالت اجتماعی و صلح دایمی را در کشور خود بنا نمایم.

تمام

